

اهم نظرات اتاق ایران در مورد لایحه جامع منابع طبیعی

ویرایش دوم؛ ۹۱/۵/۲۲

فصل اول: تعاریف

ماده ۱: انتقال سازمان امور اراضی که علی القاعده مسئول اجرای قوانین و مقررات مربوط به اراضی (که عمدتاً متعلق به افراد حقیقی و حقوقی) در عرضه های کشاورزی (اعم از دایر، بایر و موات) می باشد به سازمانی که مسئول حفاظت، احیاء و توسعه منابع طبیعی می باشد به دلایل منطقی نیست.

۱- عرصه امور اراضی محدوده های تولید و متعلق به افراد حقیقی و حقوقی است در حالیکه منابع طبیعی در عرصه های دولتی است.

۲- نوع فعالیت های این دو فعالیت بسیار متفاوت می باشد اولی عمدتاً مسائل حقوقی و اجرائی (واگذاری، تشخیصی و ...) و دومی فعالیت های اکولوژی، بیولوژی و بعضاً فیزیکی را مدنظر قرار می دهد.

۳- امور مربوط به زمین به علت انگیزه های مشخص افراد (اعم از حقیقی و حقوقی) دارای فشارها و مراجعات مضاعف و روزمره و جاری است. و امور منابع طبیعی انگیزه های اکولوژی، زیست محیطی، عمومی (منافع عمومی) و فعالیت ها و اقدامات میان و بلند مدت را تعقیب می کند.

توضیح: با وجود دلایل فوق بخصوص بند ۳ می توان انتظار داشت که با احاله این مسولیت به متولی منابع طبیعی اقدامات جاری (امور زمین) فعالیت های منابع طبیعی را تحت الشعاع قرار دهد و امر حفاظت، صیانت، احیاء و توسعه منابع طبیعی کشور که در شرایط بسیار شکننده ای نیز قرار داریم تدریجاً کم رنگ و به فراموشی سپرده شود.

۲- تعاریف ارائه شده

تبصره ۳: طبق تعاریف جهانی از جمله سازمان خوار و بار جهانی F.A.O کشاورزی شامل کلیه عرصه های مرتبط اعم از زراعت، باغبانی، دام و دامپروری، آبیاری پروری و منابع طبیعی می باشد و اضافه کردن لغت منابع طبیعی بعد از کشاورزی از نظر علمی ضروری به نظر نمی رسد.

۳: ماده ۳ و تعاریف به کار رفته در بندهای ۱ الی ۹۶ آن به نظر می رسد بعضاً تفسیر یا تعبیری از اقدامات و عملیات جاری و متداول مرتبط با آنها باشد. در حالیکه در تعیین تعاریف بایستی

۳-۱ به مستندات و مراجع قانونی مصوب که این تعاریف آمده است استناد کرد

۳-۲ از فرهنگ لغت نامه های عملی رسمی (دائرة المعارف های تخصصی) بهره جست و استناد کرد (اعم از داخلی یا خارجی).

۳-۳ در صورت عدم وجود دو بند بالا با مکانیسم های نظیر استفاده از نظرات فرهنگستان ها نسبت به تدوین موارد غیر موجود اقدام نمود.

توضیح: در مراجعه به هر یک از بندهای ۱-۳ الی ۳-۳ بایستی منبع مورد استفاده در انتخاب تعریف ذکر شود که در این مورد به جز بندهای ۸۴ و ۸۷ اشاره ای به منابع نشده است.

توضیح ۲: تعیین و ارائه تعاریفی خارج از ادبیات علمی و متداول ممکن است در مقایسه و ارائه گزارش های مملکتی در مقیاس های بین المللی کشور را دچار ابهام نماید. نظر تعیین ۵٪ تاج پوشش برای تعریف جنگل (موضوع بند ۲) که با تعاریف رایج جهانی تعریف جنگل همخوانی ندارد.

نتیجه: تجدید نظر در تعاریف ارائه شده و رویکرد در انتخاب بند ۱-۳ و ۲-۳ قویاً توصیه می شود.

۴- ماده ۴ (صفحه ۱۱)

۴-۱ عضویت رؤسای موسسات ذکر شده "رئیس موسسه تحقیقات منابع طبیعی و آبخیزداری" و "رئیس موسسه حفاظت منابع خاک" منوط به این است که این دو موسسه به صورت قانونی تشکیل شده باشند که به نظر نمی رسد هر دو موسسه مصوب قانونی داشته باشند لذا این مورد بهتر است در جریان بررسی لایحه مورد توجه قرار گیرد از طرفی در مورد موسسه دوم با توجه به تقریباً یکسان بودن (یا پوشش آبخیزداری برای منابع خاک) این دو تعریف در عمل تقریباً یکسان و یا می توان گفت حفاظت منابع خاک بخش از اهداف عملیات آبخیزداری است و لذا تکراری به نظر می رسد که در این مجموعه ها نیست لذا بهتر است به جای دو موسسه مذکور موسسه تحقیقات منابع طبیعی و آبخیزداری به اضافه موسسه تحقیقات خاک و آب که مسئولیت خاک های کشاورزی را عهده دار است عضو شورا گردد و از طرفی اراضی (منابع خاک) تحت کشت (در چرخه کشاورزی) نیز نیاز به حفاظت دارند.

۲-۴ بهتر است رئیس شورا نیز قید شود رئیس سازمان نباشد.

۳-۴ در ترکیب نیز بهتر است به جای ۴ مدیر فنی سازمان حداقل ۲ نفر کارشناس خبره منابع طبیعی و آبخیزداری انتخاب شوند و حداکثر ۲ نفر مدیر فنی سازمان عضو باشند بعلاوه از شرکت ها یا افراد حقیقی بهره برداری از منابع طبیعی (جنگل یا مرتع) حداقل ۲ نفر به این جمع اضافه شود و حداقل ۲ نفر عضو هیات علمی از انجمن های علمی نظیر انجمن های علمی منابع طبیعی یک نفر و انجمن ارزیابی محیط زیست نیز یک نفر به معرفی انجمن ها و با حکم وزیر به عضویت انجمن درآیند.

اضافه کردن حداقل یک نفر کارشناس خبره در امور اراضی نیز به این شورا اضافه ضروری به نظر می رسد.

۴-۴ تبصره این ماده شورا را وارد کارهای اجرائی می کند. درحالیکه شورا بایستی مستقل باشد.

۴-۵ برای شورا وظیفه مورد انتظار تعریف نشده است.

پیشنهاد می گردد وظایف بدین صورت باشد:

- تعیین اهداف، سیاست ها و استراتژی های منابع طبیعی و اراضی کشور در زمینه های حفاظت، صیانت، احیاء و توسعه منابع طبیعی و آبخیزداری
- بررسی و تصویب کلیه برنامه ها و طرح های کلان منابع طبیعی و آبخیزداری و امور اراضی
- ارزشیابی نتایج اجرائی طر حهای منابع طبیعی و آبخیزداری
- بررسی و اظهار نظر نسبت به کلیه آئین نامه ها و دستورالعمل هائی که در این قانون مقرر گردیده به پیشنهاد سازمان در وزارت یا هیات محترم دولت تصویب و به اجرا گذاشته شود و همچنین کلیه دستورالعمل های فنی مورد عمل سازمان نیز بایستی در شورای مذکور مطرح و تایید گردد.
- بررسی و اظهار نظر نسبت به کلیه لوایح مقررات و آئین نامه های پیشنهادی

۵: ماده ۵ مفاد این ماده بیشتر تداخل قوای سه گانه است (قوه قضائیه با قوه مجریه) و عملاً ممکن است تردید در اجرای مسئولیت را در پی داشته باشد.

فصل دوم

۶: ماده ۶ در این ماده کلیه منابع ملی شده در زمان اجرای قانون ملی شدن جنگلها و مراتع (مصوب ۲۷/۱۰/۴۱) را نیز تبدیل به حال می نماید. که عملاً باعث بروز مشکلات فراوانی برای افرادی که قانوناً اجازه بهره برداری از بخشی از اراضی از تاریخ تصویب قانون مذکور تا امروز یافته اند را در پی خواهد داشت.

متن تبصره ۱: این ماده مغایر با قانون حفظ کاربری اراضی مصوب ۳۱/۳/۷۴ است در قانون مذکور رویه مورد نظر تعیین شده در اینجا رویه دیگری پیشنهاد شده و تعیین تکلیف پرونده های قضائی به سازمان محول شده در حالیکه مجری قانون حفظ کاربری اراضی سازمان نمی باشد. و اگر سازمان وارد این مقوله شود به ناچار وارد کلیه عرصه های کشاورزی خواهد شد.

مفاد تبصره ۳: نیز امنیت سرمایه را تهدید می کند. سایر فعالیت های غیر کشاورزی نیز مورد نیاز کشور است لذا این موارد نیز بایستی مورد حمایت قرار گیرد.

پیشنهاد: بهتراست مفاد تبصره ۴ (تسهیلات پیش بینی شده) برای این گروه نیز تسری یابد.

۸: ماده ۸ نوبت پانزده روزه برای انتشار اگهی ناکافی است (با توجه به پراکندگی، دورافتادگی و دسترسی کشاورزان و عشایر به مطبوعات). پیشنهاد می شود حداقل به سه ماه تغییر یابد بعلاوه دو نوبت نیز بهتر است به حداقل سه نوبت افزایش یابد.

- مفاد تبصره ۱: این ماده به خصوص دایر بر ایجاد تکلیف برای دادگاه تجدید نظر دایر بر رسیدگی به پرونده ها خارج از نوبت نیز به نظر می رسد بایستی مورد تعمق قرار داد زیرا ایجاد محدودیت برای قاضی شاید منطقی نباشد. بهتر است مدت برای بررسی تعیین شود مثلاً حداکثر ظرف ۶ ماه یا ۹ ماه و نظایر آن.

ماده ۹

شورای ممیزی و امور اراضی. بایستی در ابتدا معرفی و تصویب آن قانونی شود سپس گفته شود که چه وظایفی دارد.

ترکیب شورا همه از وزارت هستند. نه سایر بخش ها (نظیر ثبت اسناد) حضور دارد نه حداقل یک نفر از بخش غیر دولتی لازم است ضمناً پیشنهاد می شود ۱-۲ نفر کارشناس حقوقی (متخصص) وارد به این مسئله از بخش غیر دولتی به این شورا اضافه شود تا در بررسی و اظهار نظر احکام یک طرفه نباشد.

- اینکه فقط برای یکبار برای رفع اشتباهات یا تداخلات ناشی از اجرای مقررات موازی و نظایر آن یک شورا تشکیل و اعلام رأی کند دارای نارسائی است چرا فقط یک بار زیرا بایستی مردم اجازه داشته باشند برای رفع نارسائی ها و مشکلات خود مرجع بررسی داشته باشند.

ماده ۱۰

واگذاری با رعایت مصالح جامعه یا حدود نیاز و توانائی اشخاص که اجازه تشخیص آن با وزارت داده شده دارای ابهام است اول اینکه محول کردن تشخیص مصالح جامعه به وزارت جهاد کشاورزی چه مفهومی دارد. زیرا این امر از اختیارات و وظایف وزارت جهاد کشاورزی نیست و در موضوع دوم تشخیص نیاز و توانائی اشخاص است. این امر نیز ایجاد شبهه کرده و تردید برانگیز است.

تشخیص اجازه واگذاری بایستی بر مبنای طرحهای فنی با توجیه اقتصادی و با ضوابط تعیین شده باشد.

- موضوع دوم مراجع تصویب (بندهای الف، ب، پ) که دامنه وسیعی است که اولاً تداخل قوا دارد ورود مجلس برای واگذاری در کنار واگذاری شورای برنامه ریزی استان و یا کارگروههای این شورا. دامنه وسیعی از طبقات قانون گذاری و اجرائی است و امکان ایجاد وحدت رویه و نظم را غیر ممکن خواهد ساخت و مسائل عدیده ای را در پی خواهد داشت.

- لازم است یک مرجع تشخیص برای واگذاری (با توجه به نارسائی ها و ابهامات و تجربیات سال های گذشته) مشخص و در قانون به تصویب برسد مثلاً شورائی که وزیر جهاد کشاورزی (یا نماینده تام الاختیار ایشان که غیر از رئیس سازمان باشد) رئیس شورا + رئیس سازمان یا نماینده ایشان، نماینده تام الاختیار سازمان نظارت و راهبردی (سازمان برنامه و بودجه) یا نماینده ایشان (که از معاون سازمان پائین تر نخواهد بود). وزیر اقتصاد و دارائی یا نماینده تام الاختیار ایشان و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، رئیس دستگاه اجرائی (در مورد طرح های دولتی) یا متقاضی یا نماینده ارائه کننده طرح (در مورد طرح های بخش خصوصی) بدون حق رأی در شورای مرجع تشخیص واگذاری شرکت فرمایند و این شورا تنها مرجع واگذاری باشد.

- تبصره های ۱ و ۲ و ۳ که سطح هزار هکتار را مرجع ملی و استنادی تشخیص داده بهتر است حذف شود زیرا ارزش زمین تنها تابع مساحت آن نیست بلکه موقعیت منطقه ای بیشتر اثرگذار می تواند باشد لذا بهتر است کل مرجع واگذاری یکی باشد لذا این تبصره ها (۱ و ۲ و ۳) بهتر است حذف شوند.
- مجمع تشخیص طرحهای مورد اشاره در تبصره ۶ نیز بایستی همین مرجع تشخیص واگذاری باشد نه رأسا سازمان یا وزارت.
- تبصره ۸ نیز با توجه به توضیحات بالا بایستی حذف شود.

ماده ۱۱

ابتدا بهتر است متقاضی یا متقاضیان (اعم از دولتی یا بخش خصوصی) به آن اضافه شود.

- موضوع بررسی اقتصادی و اجتماعی طرح (سود، اشتغال، سرمایه گذاری و ...) را بایستی گروه یا مرجعی اقتصادی فنی بررسی نماید که انجام آن در شورای واگذاری زمین مقدور به نظر نمی رسد. شاید گروه کارشناسی به مسئولیت وزارت اقتصاد و دارائی و عضویت سازمان برنامه و بودجه و وزارت جهاد کشاورزی برای بررسی توجیه فنی و اقتصادی طرح های به عنوان کمیته کار شورای واگذاری تشکیل شود. این امر بهتر است بر حسب مورد و نوع طرح (اعم از کشاورزی، صنعتی، خدماتی و ...) توسط دستگاههای اجرائی ذیربط بررسی و طرح همراه نظر دستگاه مذکور در شورای مورد اشاره مطرح شود.
- موضوع بررسی کارگروه و یا نظایر آن منتفی بایستی باشد.
- تبصره ۱ نوع طرح بایستی توسط دستگاه های ذیربط مورد بررسی و اظهارنظر قرار گیرد نه گروههای داخل وزارت جهاد کشاورزی. و در مورد تصمیم نهائی همان گروه کارشناسی پیشنهادی (وزارت اقتصاد و دارائی، سازمان مدیریت وزارت جهاد کشاورزی) بهتر است بررسی کارشناسی نمایند.

ماده ۱۳

مفاد این قانون از اختیارات وزارت جهاد کشاورزی نیست زیرا اختیار اراضی داخل محدوده ها با وزارت مسکن و راه است و قانون تغییر کاربری نحوه آن را مشخص کرده است اینکه وزارت جهاد کشاورزی وارد این وظیفه شود به صلاح به نظر نمی رسد این قانون بایستی متمرکز بر عرصه های منابع طبیعی درحوزه اختیارات و مسئولیت های وزارت جهاد کشاورزی باشد.

بطور کلی این ماده و تبصره های آن اگر هم لازم است بایستی از این مجموعه حذف و به پیشنهاد وزارت مسکن و کشور ارائه گردد و مجلس محترم به آن بپردازد.

ماده ۱۴

تبصره ۱ آن که موضوع ایجاد یک درآمد را ایجاد می کند ممکن است باعث ایجاد تمایل در ارائه نظر مثبت گردد لذا بهتر است حذف شود.

ماده ۱۶

با توجه به اهمیت مناطق حفاظت شده از نظر تنوع زیستی برای کشور بهتر است واگذاری این گونه مناطق به صورت قطعی به سازمان محیط زیست بایستی پیش بینی شود و مناطق جدید مورد نیاز سازمان مذکور نیز با اولویت مورد تصویب و اقدام قرار گیرد.

ماده ۱۷

مفاد سطر اول و قسمت اول سطر دوم "آن بخش از اراضی این قانون خارج شده است" خبر این قسمت یا حکم قانونی مورد انتظار از این قسمت مشخص نگردیده است و معلوم نیست حکم قانونی مورد انتظار از اراضی چیست؟

ماده ۱۸

اگر روی تپه یا در داخل دره ای اراضی یا باغات بوده است که نمی توان آن را نادیده گرفت. از طرفی موضوع تشخیص و حفاظت از رودخانه ها و حریم آن یا چشمه سارها به عهده وزارت نیرو می باشد نه سازمان وابسته به وزارت جهاد کشاورزی. موضوع دوم و مهم این ماده ارجاع تشخیص عرصه طبیعی تاریخ ۴۱/۱۰/۲۷ است (یعنی حدود ۵۰ سال قبل) این امر ایجاد مسائل زیادی خواهد نمود و مشابه اراضی کشاورزی برای این بخش (اوقافی) نیز بایستی چاره ای اندیشیده شود.

ماده ۱۹

تسری اجرای قانون به ۴۱/۱۰/۲۷ برای مفاد این ماده نیز صادق است. کلمه مالکیت بایستی قانونی نیز باشد زیرا تشخیص مالکیت شرعی تنها کفایت نمی کند.

ماده ۲۱

مداخله در اختیارات قانونی سازمان اوقاف و امور خیریه است. دخالت دولت در سازمان غیر دولتی است. تعیین تکلیف مسائل و مشکلات یا چگونگی رفع اختلافات سازمان اوقاف اگر هم ضروری است جای آن در قانون منابع طبیعی نیست و سازمان مذکور می تواند در صورت نیاز، با ارسال لایحه، درخواست کسب مجوز مجلس محترم را بنماید.

ماده ۲۳

این ماده مشارکت را فقط برای مناطق بیابانی و به امر آبادانی منابع طبیعی خیلی فقیر و کویری در کویر های مرکزی، نمک و لوت اجازه سرمایه گذاری را داده است آنهم برای سرمایه گذاران داخلی و ظاهراً مناطقی سخت و تقریباً غیر ممکن را برای بخش خصوصی تجویز نموده است و از ابتدا معلوم است که این امر نشدنی است در حالیکه بهتر است این قبیل فعالیت ها با رعایت اصل حفاظت و احیاء منابع طبیعی برای کلیه عرصه ها با نظارت و کنترل سازمان قابل انجام باشد.

ماده ۲۴

در این ماده واگذاری ها را منوط به مصوبه دولت نموده است و در تبصره ۱ آن به شورای واگذاری محول کرده که با مفاد ماده ۱۰ مغایرت هائی دارد. ضروری به نظر نمی رسد برای یک امر در چند ماده با تعاریف و تعبیر متفاوت در قانونی حکم ارائه گردد.

ماده ۲۵

مفاد این ماده یک طرفه است و منافع بخش خصوصی را نادیده می‌گیرد. اگر ملک شخصی یا اشخاص حقیقی و حقوقی است متصرف بایستی یا ملک را مسترد دارد و یا رضایت مالک یا مالکیت آن را کسب نماید. تشخیص متعذر بودن دولت (سازمان) و توقف یکسال اجرای حکم امر منطقی به نظر نمی‌رسد. وزارت اگر می‌خواهد با مالک توافق کند در جریان بررسی پرونده در دادگاه این توافق را انجام دهد. لذا این تبصره بایستی اصلاح و تبصره آن حذف، یکسال متوقف شدن حکم نیز حذف شود.

ماده ۲۶

نیز تشخیص هیات نظارت را به بعد از تیرماه ۵۴ محول نموده است که با تاریخ امروز (سال ۹۱) که دولت درصدد اصلاح قانون است ایجاد مشکل برای بسیاری از بهره‌برداران خواهد نمود.

ماده ۲۷

زنده کردن یک مشکل جدید برای قانونی است که حدود ۳۷ سال از آن می‌گذرد. پرداختن این امور که عموماً مسائل حقوقی و طرح دعاوی است به نظر می‌رسد سازمان را از امور فنی خود باز خواهد گذاشت. چرا سازمان ظرف این مدت این تخلف را مورد بررسی و اقدام قرار نداده است به خصوص آئین نامه (دستورالعمل) آن نیز در درون وزارت مورد بررسی و تصویب قرار خواهد گرفت.

فصل سوم

ماده ۲۹

تبصره ۲ واگذاری را با ضریب پایه بهره مالکانه منوط دانسته. ایجاد این ضریب مفهوم بهره برداری را می‌دهد در حالیکه تبصره ۱ آن اصل طرح‌های منابع طبیعی را بر اساس اصل حفاظت و پایداری منابع دانسته است که به نظر می‌رسد قسمت ضریب پایه بهره مالکانه بهتر است حذف و یا منحصر به طرح‌های بهره برداری پایدار منابع طبیعی گردد این امر در تبصره ۵ نیز وارد است و بهتر است بهره فقط برای مواردی باشد که بهره برداری پایدار اتفاق بیافتد.

ماده ۳۰

حریم قانونی تاسیسات دولتی (به صورت عام) چه مفهومی دارد. (در قانون جنگلها و مراتع). بهتر است موارد و مصادیق مرتبط با اختیارات و انتظارات این قانون مشخص و به این موارد اشاره شود.

ماده ۳۱

مفاد تبصره ۲ آن با ساختار اجرائی متداول و تقسیمات سیاسی که در قالب استانی است (تبصره ۲ ماده ۱) مغایرت دارد (اگرچه محتوی تبصره از نظر فنی و علمی امر صحیحی است).

ماده ۳۳

بهتر است تبصره آن "تصویب طرح های موضوع این ماده" به عهده شورای عالی منابع طبیعی و امور اراضی موضوع ماده ۴ محول بشود.

ماده ۴۰

در مورد خرید اراضی مسیر جاده های جنگلی: تعیین مدت توسط سازمان و پرداخت هزینه بر اساس پیش بینی در ترازنامه (بیلان طرح) و از آن نامناسب تر مفاد تبصره ۱ آن که تعیین بهای مسیر جاده را به کمیسیونی (فرماندار، قاضی، رئیس اداره و ...) قرار داده همه این افراد کارگزاران دولت هستند. و ممکن است حقوق بخش خصوصی رعایت نگردد از طرفی این افراد که تخصص و مسئولیتی در تعیین بهای زمین ندارند در این مورد بهتر است در تعیین بهای اراضی مورد نظر این قبیل طرح ها برای اراضی بزرگ از نظرات کارشناسان دادگستری (سه نفر: یک نفر سازمان، یک نفر ذی نفع و یک نفر مرضی الطرفین) استفاده گردد.

ماده ۴۲

در تبصره ۲ آن حکم برای برنامه پنجم داده شده در صورتی که اولاً برنامه پنجم خودش قانون مستقل دارد ثانیاً تصویب لایحه مذکور یک قانون ملند مدت است و اگر مفاد این تبصره ضروری است (که به نظر حکم ضروری و منطقی است) بایستی تا "پایان برنامه توسعه" از آن حذف شود و بصورت یک اصل کلی و دائمی در قانون ارائه شود.

ماده ۴۳

در این ماده زمان تا پایان برنامه پنجم ذکر شده که بهتر است زمان مشخصی مثلاً سه سال از تصویب و ابلاغ قانون تعیین و اعلام شود.

ماده ۴۵

اخذ مجوز از سازمان برای صادرات محصولات جنگلی و مرتعی ضروری به نظر نمی رسد و باعث تطویل بوروکراسی خواهد شد. اگر بهره برداران مجاز به برداشت هستند (ماده ۴۴) صادرات بایستی تابع مقررات عام صادرات باشد این امر ایجاد بوروکراسی برای فعالان اقتصادی است صاحب هر کالای تولیدی مجاز به صادرات است با رعایت مقررات صادرات (قرنطینه) مجوزهای درج شده در قانون صادرات و نظایر آن.

توجه: ماده ۴۶

ایجاد وضع معادل ۱۵٪ درآمد دولت ناشی از اکتشاف معدن بهتر است نظرات صاحب نظران بخش صنعتی و معدن مورد استعلام قرار گیرد.

ماده ۴۹

تعهدات انجام اموری که در این ماده پیش بینی شده در ظرف قانون برنامه پنجم ممکن است نیاز به اعتباراتی داشته باشد که در برنامه پیش بینی نشده باشد و ایجاد این تعهد مالی جدید ممکن است با مفاد قانون برنامه و تعهدات آن مغایرت داشته باشد. از طرفی اگر این فعالیت ها مورد نیاز بوده چرا سازمان در جریان تصویب برنامه آنها را مطرح و به تصویب نرسانیده و یا اگر هم مطرح نموده و تصویب نشده طرح آن از این طریق (در پوشش یک قانون فراگیر و بلندمدت) صحیح و منطقی نیست (از نظر رعایت قوانین). اگرچه انجام این اقدامات ظرف مدت مشخصی مثلاً سه سال یا پنج سال و به روز نمودن این اطلاعات در دوره های ۱۰ ساله از ضروریات است لذا توصیه می شود ماده ۴۹ با محتوی بصورت اخیر سازمان موظف به انجام تهیه نقشه های پهنه بندی زمین، لغزش، فرسایش خاک، سیل خیزی، پوشش گیاهی و کاربری اراضی ظرف مدت ۵ سال انجام و این امور را به صورت ده ساله به روز نماید وارد شود.

توجه: ضمناً موضوع اینکه سازمان قادر به تشخیص پدیده لغزش زمین Land Slide می باشد یا خیر، از نظر تخصصی بایستی اطمینان حاصل کرد زیرا این پدیده عمدتاً یک امر زمین شناسی و مکانیک خاک به نظر می رسد لذا بهتر است نظر وزارت راه و مسکن و سازمان زمین شناسی نیز اخذ شود.

ماده ۵۰

قانون جلوگیری از تغییر کاربری به نظر نمی رسد از اختیارات و وظایف سازمان باشد از اختیارات سایر قسمت های وزارت جهاد کشاورزی است.

ماده ۵۲

سیاست های اجرائی و طرح های مورد اشاره در کلیه بندهای آن بایستی بعد از تصویب شورای منابع طبیعی به جریان اقدامات گذاشته شود.

ماده ۵۴

تداخل با وظایف و اختیارات وزارت نیرو دارد. مدیریت منابع آب (اعم از رودخانه های دائمی یا فصلی) به عهده وزارت نیرو است. تثبیت و بستر کناره رودخانه های دائمی یا فصلی از یک مکانیسم تبعیت می کند این امر تداخل در مدیریت منابع آب کشور است.

در مورد تبصره آن نیز نظر بالا صادق است.